

۹

# دفتر فرنگ

رضا اسپیلی

اشاره‌ی به:

کتاب تئاتر مستند، اریکا مگریس، بئاتریس پیکون -  
والن، فیلم سروصدای رسیف، کلبه مندوسا فیلهو، میشل  
پیالو، زمان گوش دادن، پژوهشی درباره‌ی دگرگونی طبقه‌ی  
کارگر، رمان سولنویید، میرچا کارتارسکو، رمان پرایس،  
استیو تسیچ

کارل کراوس، اروین پیسکاتور، پیترو بروک، الکساندر  
ترتیاکوف، پیترو وایس، جون لیتل وود، کمپانی موتوس،  
مایا تیاتر، ریمینی پروتکل، بازگشت به وضعیت  
کارگری، طبقه‌ی فرو - پرولتر، استفان بو،  
ژانتریفیکاسیون، مارشال تیتو، فیلم جدا شدن از پیترو  
بیتس، فیلم جهان به گفته‌ی گارپ از جرج روی هیل، فیلم  
چهار دوست اثر آرتور پن، رمان کارو، کارلوس پردو



## فیلم (دی‌وی‌دی)

فیلم سروصدای رسیف\* نمایش خشونت‌آمیزی است که زیر پوست شهرهای بزرگ در جریان است (رسیف مرکز ایالت پرنامبوکو در شمال شرقی برزیل است)، البته بیشتر خشونت نمادین؛ چیزی که جا را برای تحلیل‌های جامعه‌شناختی از فیلم باز می‌کند. در هر لحظه از فیلم، صحنه به صحنه در انتظار دیدن خشونت مهارگسیخته هستیم که گرچه پیش نمی‌آید می‌دانیم که روزی جایی بیرون از زمان فیلم رخ خواهد داد چراکه همه جا جاری است: در رابطه‌ی موجر و مستاجرش، در تنش میان خیابان و کار و خانه، در دوری ذهنی همسایه‌ها از یکدیگر و...

هرچند که میزانسن‌های کبر مندوسا فیلهو سخت و خشک می‌نمایند اما او در نمایاندن روح و ذهن شخصیت‌های فیلمش نرم و منعطف است، امری که فیلم را اثرگذار و دیدنی کرده است.

\* *Les Bruits de Recife*, Kleber Mendonça Filho, Survivance, La Madeleine, 2015, 131 min.



## LES THÉÂTRES DOCUMENTAIRES

OUVRAGE DIRIGÉ PAR ERICA MAGRIS ET BÉATRICE PICON-VALLIN



DEUXIÈME ÉPOQUE

Erica Magris et Béatrice Picon-Vallin (sous la direction de), *Les théâtres documentaires*, Deuxième époque, Montpellier, 2019.

### کتاب (تئاتر مستند)

کتاب تئاتر مستند که بیش از بیست مؤلف در تدوین آن همکاری داشته‌اند در زمینه‌ی تخصصی خود اثری مرجع محسوب می‌شود. در این کتاب به علاقه‌ی روزافزون کارگردانان به استفاده از اسناد و مدارک در شکل‌های متعدد - بایگانی، ویدیو، تصویر، مصاحبه، گواهی‌ها و ... - در نمایش‌هایی با موضوع سیاسی یا اجتماعی اشاره و این نمایش‌ها تحلیل شده‌اند. گستره‌ی بررسی آثار به اروپا و آمریکای شمالی محدود نیست و نمونه‌هایی از این‌گونه تئاتر در آمریکای جنوبی و خاورمیانه را هم در بر می‌گیرد.

کتاب از نظر زمانی از پس از جنگ دوم جهانی (کارهای کارل کراوس، اروین پیسکاتور، پیترو بروک، الکساندر تریاکوف) تا به امروز را پوشش می‌دهد (پیترو وایس، جون لیتل وود، مایا تیاتر، ریمینی پروتکل، کمپانی موتوس و غیره).

RAISONS D'AGIR  
COURS & TRAVAUX

**Michel Pialoux**

## Le temps d'écouter

Enquêtes sur les métamorphoses  
de la classe ouvrière



Michel Pialoux, *Le temps d'écouter, Enquête sur les métamorphoses de la classe ouvrière*, Raison d'agir, Paris, 2019.

## کتاب (جامعه‌شناسی)

میشل پیالو که با اثر مهمش، بازگشت به وضعیت کارگری (تألیف مشترک با استفان بو)، شناخته شده است در این کتاب تازه با عنوان زمان گوش دادن، پژوهشی درباره‌ی دگرگونی طبقه‌ی کارگر، به دنبال همان مضمون همیشگی خود است: مسائلی که به حال خود رها یا به فراموشی سپرده شده‌اند، و با همان روش منحصر به فرد خودش: گوش فرادادان به افراد و به وضعیت و مسائل‌شان. این مضمون‌ها در کار او عبارت‌اند از: پژوهش درباره‌ی طبقه‌ی فرو - پرولتر، ساکنان مجتمع‌های مسکونی اجتماعی - دولتی (که در فرانسه به اش‌ال‌ام HLM معروف‌اند)، جوانان جویای کار ناماهر که به کارهای موقت و فصلی دست می‌زنند (انتریم interim) یا چگونگی تضعیف جنبش‌های کارگری در دهه‌ی ۱۹۸۰، نقش الکل در کار و ...

او در کتاب حاضر با بررسی فرآیند بدتر شدن اوضاع اقتصادی بخش‌های فرودست طبقه‌های مردمی به ویژه به واسطه‌ی پدیده‌ی چون ژانتریفیکاسیون، در پی آنست تا سیاست‌زدایی از وضعیتشان را با زبان خود آنها بسنجد: زبان محرومیت آنها، و او البته پژوهشگرِ شنونده‌ی خوبی است.

MIRCEA CĂRTĂRESCU

*Solenoid*

*Traducción de Marian Ochoa de Eribe*

*Posfacio de Marius Chivu*



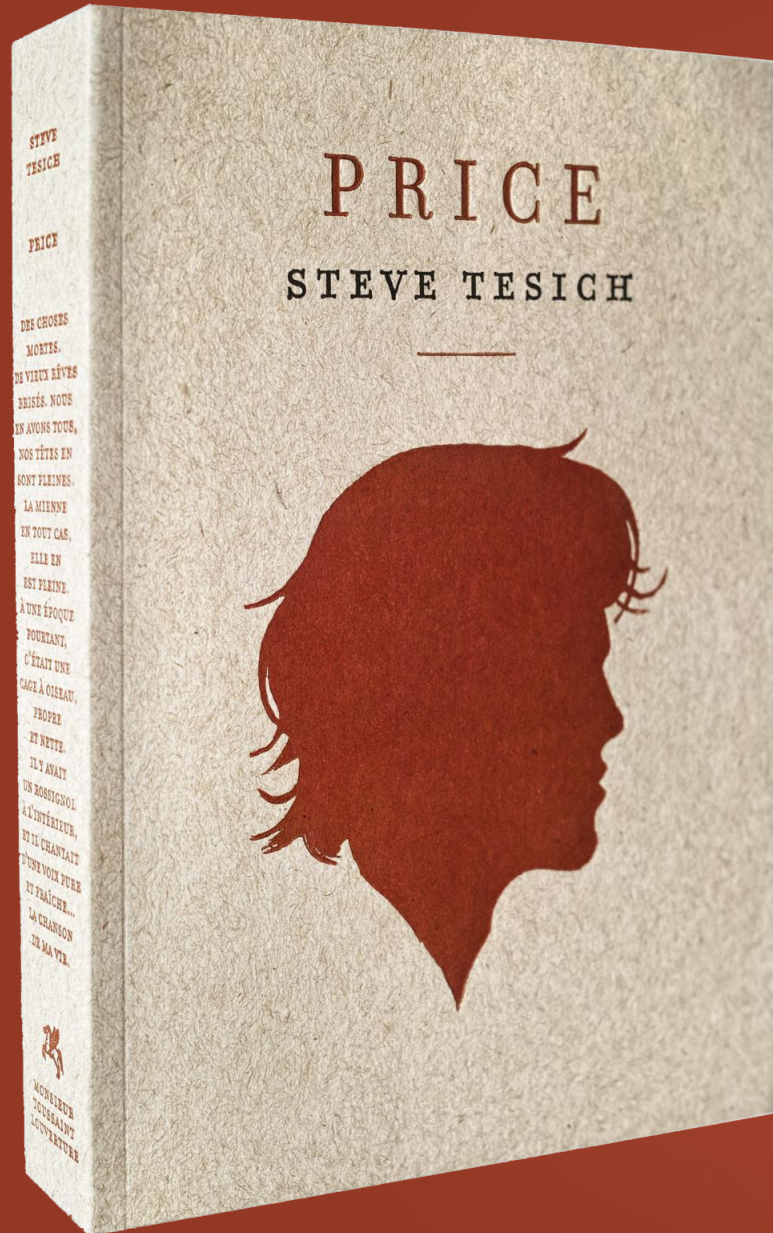
رمان

موضوع رمان را شاید بشود اینطور خلاصه کرد: «خاطرات از واقعیت غنی ترند». کتاب پر است از صحنه‌های احساسات زاده‌ی خاطرات یا حتی توهم‌هایی که به رویاهای رهاکننده می‌رسند؛ چراکه «اگر نبود رؤیا، هرگز نمی‌دانستیم که روح داریم».

معلم مدرسه‌یی در بخارست که از شغلش ناراضی ست خانه‌یی می‌خرد از مهندسی که در خانه سیم‌لوله‌یی (سولنویید، نام رمان از همین جا می‌آید) کار گذاشته. ساختمان برجکی دارد با تراسی که به راهروی بتنی راه دارد که آنجا هم چیز عجیب دیگری است، یک صندلی دندان‌پزشکی. فضای داستان سرسختانه واقعیت را به چالش می‌کشد. مکان‌ها غریب و شخصیت حواس‌پرت است. اینها، عناصر واقعیت را به امری شناور در ذهن، به رؤیا و توهم نزدیک می‌کنند و آنطور که قهرمان داستان می‌گوید برای «کسب و حفظ حافظه» لازم‌اند. گویی معلم داستان ما از زمانی که دیگر کارش را دوست ندارد، خود را از جامعه دور کرده و به درون خود پناه برده است: «باید از ناهنجاری‌هایم بنویسم... در زندگی تاریکی که فقط داستان در آن، جا پیدا می‌کند. چیزهایی رخ داده‌اند که معمولاً پیش نمی‌آیند نه در زندگی و نه در داستان‌ها».

میرچا کارتارسکو، نویسنده‌ی بیش از ۳۰ کتاب، چنان خواهان دارد که چند باری اسمش به عنوان برنده‌ی احتمالی نوبل ادبیات مطرح شده است.

## رمان



Steve Tesich, *Price*, Monsieur Toussaint Louverture, Toulouse, 2014.

استیو تسیچ، متولد یوگوسلاوی آن موقع و صربستان امروز، وقتی جوان بود به همراه خانواده به امریکا مهاجرت کرد. پدرش که در جنگ جهانی دوم ستوان ارتش بود، با رژیم مارشال تیتو مخالفت و از کشور فرار می‌کند و ابتدا به انگلستان و سپس به امریکا پناه می‌برد. استویان یا استیو بعدی آنجا با شور و شوق زبان انگلیسی می‌آموزد. او که ورزشکار مجربی است (ابتدا کشتی‌گیر و سپس دوچرخه‌سوار)، در سر این روّیا را می‌پرورد که روزی رمان‌نویس بشود. وارد دنیای نوشتن می‌شود و اولین سناریو نوشته‌ی او برای فیلم پیتربیتس که در ایران به جدا شدن\* ترجمه شده برایش اسکار به همراه می‌آورد. سپس شش سناریو دیگری یکی پس از دیگری فیلم می‌شوند از آن میان جهان به گفته‌ی گارپ\*\* ساخته‌ی جرج روی هیل، و چهار دوست\*\*\* اثر آرتور پن. پرایس، اولین رمان تسیچ، نه تنها همزمان با چهار دوست نوشته شده بلکه از نظر محتوا نیز به آن نزدیک است: قهرمان داستان، دانلو پروزور به صربی یا همان دانیل پرایس به انگلیسی، پسر مهاجری یوگوسلاو، دو دوست جدایی‌ناپذیر دارد و دوست‌دختری جوانِ هوس‌باز که منبع اولین احساسات و پشیمانی‌هایش است.

داستان در حومه‌ی صنعتی و کارگری آلوده و بی‌نام و نشانی که در سایه‌ی شیکاگو رشد می‌کند می‌گذرد. تابستان است، در اوایل دهه‌ی شصت، دانیل پرایس هژده ساله که پرهیب خوش‌هیكل پدرش و قامت رعنا‌ی مادرش را دارد

خواهد دید که زندگی از دستش می‌گریزد. همه چیز به مسابقه‌ی کشتی بستگی دارد که اگر او در آن پیروز شود موفق خواهد شد بورس ورود به دانشگاه را به دست بیاورد و به این ترتیب از سرنوشتی که برایش مقدر است یعنی کار در کارخانه یا در فضای سبز برای شهرداری، ازدواج زودهنگام و زندگی یکنواخت درست مثل پدر و مادرش بگریزد. اما در کمال تعجب درحالی که دارد حریف را شکست می‌دهد ناگهان و در حالتی از کرحتی مسابقه را نیمه‌کاره رها می‌کند. همان شب با راشل آشنا می‌شود و با همان شور و شیفستگی و غرور معمول هژده سالگی در دام عشق او می‌افتد. اگر او چنان شیدای راشل است که از دو دوست صمیمی‌اش دور می‌شود از میان تمامی دلایل به این خاطر هم هست که در جست‌وجوی راهی است تا از واقعیت جدایش بکند؛ از فضای غم‌انگیزی که در خانه وجود دارد و حاصل بیماری پدرش و بی‌وفایی مادرش است.

تصورش را بکنید شنیدن این جمله‌ها از زبان پدری که تومور عذابش می‌دهد برای پسری هژده ساله چقدر می‌تواند زجرآور باشد: «توش خون دل‌مه بسته، چیزای مرده و فاسد شده است توش. رؤیاهای پژمرده و از بین رفته. همه‌مون از این رؤیاهای ما داریم. سرمون ازشون پُره. مال من که هست. پُر پره. اما یه وقتی... قفس پرنده بود، تمیز و پاکیزه که توش یه بلبل می‌خوند... می‌خوند با چه صدای ناب و تازه‌ای هم می‌خوند... آواز زندگیمو می‌خوند.» و چقدر زجرآور است دیدن اینکه مادرش از کار شبانه در خانه‌ی دیگران خسته و کوفته است و با این همه از پس مخارج بیمارستان شوهرش بر نمی‌آید.

پرایس تصویرگر سال‌های توفانی نوجوانی است، سال‌هایی که در حاشیه می‌گذرد و آغشته است به سردرگمی و خیانت و خشم. سفر ادیسه‌وار درونی پسر بچه‌یی را روایت می‌کند که با خشونت پرتاب می‌شود به دنیای بی‌رحم و شفقت جوانی، جایی که راست و دروغ، منطق و بی‌خردی در هم می‌تنند. رمانی است پر از تنش و سر زدن از پذیرش وضع موجود، با قدرت دراماتیک بی‌نظیری در شرح ماقع که مبارزه‌ی درونی همراه با نومییدی پسری جوان را برای به دست آوردن آزادی‌اش صادقانه به تصویر می‌کشد.

استیو تسیچ رمان دومی هم نوشت: کارو، که در فرانسه پیش از پرایس منتشر شد و به موفقیت بزرگی رسید. به گفته‌ی منتقد فرانسوی، کارلوس پَردو، او در این اثر از ورای جریان زندگی شغلی کابوس‌وار فیلمنامه‌نویسی سرخورده و کلبی مسلک، تصویر بی‌رحمی از صنعت سینما را نشان‌مان می‌دهد. کارو اثر مؤلفی است که طعم موفقیت و سرخوردگی‌هایش را چشیده است. اما پرایس آرامگاه رؤیای آمریکایی است که مهاجران با پوست و استخوانشان مدت‌هاست لمس‌اش می‌کنند...

استیو تسیچ در سال ۱۹۹۶ در سن پنجاه و چهار سالگی از دنیا رفت.

\* *Breaking Away*, directed by Peter Yates, written by Steve Tesich.

\*\* *The World According Garp*, directed by George Roy Hill.

\*\*\* *Four Friends*, directed by Arthur Penn.